

بهار کنار هم زیباست

لباسها را که می‌گیرد، چشم‌هایش خیس است. می‌گوییم: همه نو است! با چشم‌های تر می‌خندد و می‌گوید: نو نبود، نمی‌گرفتم!

حرفش برایم تکراری است در این سال‌هایی که پی‌رتق و فتق امور مستمندان و دردمندان است، دانسته‌ایم برای آنها بهترین‌ها را می‌خواهد. غذای مانده و لباس پوشیده شده و اضافه آمده‌های دیگران به کارش نمی‌آید.

معتقد است کسی که خوبی می‌کند و به دیگران کمک می‌کند باید ممنون کسانی باشد که به او فرصت خوبی کردن می‌دهند! وقتی باور داریم صدقه دادن رفع بلاست باید قبول کنیم که صدقه‌بگیر اگر نبود، بلا می‌ماند. البته این گفته را صد درصدی نمی‌کند. حرفش نیم شوخی و نیم جدی است. اما درست که نگاه کنیم بیراه هم نمی‌گوید. گذشته از آن دل اگر دل باشد، نمی‌تواند از کنار دیگران بی‌تفاوت بگذرد. شادی‌شان شادش می‌کند و زخم نشسته بر جان و تن آنها رنجورش می‌کند. ناله دیگران عذابش می‌دهد و تن برهنه آدمی در سرمای زمستان دلش را به درد می‌آورد. وقتی زمستان به انتها می‌رسد و برای نو کردن جامه به فروشگاه‌ها وارد می‌شود دلش می‌خواهد آنقدر پول داشته باشد تا برای هر رهگذر نیازمندی که از جلوی فروشگاه رد می‌شود و با حسرت به لباس‌های پشت ویتترین نگاه می‌کند، لباس نویی بخرد.

میدانم چنین آدم‌هایی کم هستند. میدانم آنچه گفتم بیشتر به رویا می‌ماند. ولی همین رویاهاست که امید می‌آفریند و همین امیدهاست که رویاها را واقعیت می‌بخشد. (همه‌اش را نه! بخشی از آن را!) گذشته از آن همین باورهاست که ارزش دیگران را در زندگی آدم‌ها بیشتر می‌کند.

بهار و نوروز که می‌شود این ارزش و ضرورت توجه به آدم‌های دور و برمان بیشتر می‌شود. آدم‌هایی که با شادی و لبخندشان بهار زیباتر می‌شود. گمان عیدی دادن، لباس نو پوشیدن، خانه را آب و جارو کردن و به خویشان و نزدیکان سر زدن ریشه‌اش در همین خاصیت بهار داشته باشد. خاصیت زاینده‌گی، نو شدن، زیبا شدن و سخاوتمند شدن. لطفا چشم بر زیبایی‌های کنار بهار نبندید. فرصت خوبی به دیگران و کمک به نوع نیازمند را از دست ندهید. بخشید! از دست ندهیم!

یا حق! آمدن بهار و نوروز مبارک همه کسانی که سخاوتمندشان بهار و

عید دیگران را شادتر می‌کند.

*حسن لطفی